

آسیب شناسی برنامه سهام عدالت در روند خصوصی سازی

مینا حسینی*

مقدمه

آزادی و یا به عبارت دقیقتر عدالت است. همان طور که ملاحظه می شود، این بار، دولتی، واژه عدالت را، نه برای توجیه مداخله در اقتصاد، که برای توجیه روند آزادسازی اقتصاد و عمدتاً به نفع اقشار پایین جامعه، به کار برده است.

مقدمه بحث را با سخنی از جان راولز - اقتصاددان فرانسوی، متولد ۱۹۳۱ - پایان می بریم: «برای این که عادلانه فکر کنیم، باید فرض کنیم که همه انسانها در شرایط برابر و بدون امتیازاتی که دارند، تازه به دنیا آمده اند. در این صورت، اصل برابری را بر فرض این که همه امتیازها پاک شده است، مبنای قرار داده ایم.»

۱- مفهوم و جایگاه سهام عدالت در سیاستهای

خصوصی سازی

رویکرد کوچکسازي بدنه دولت و بهبود عملکرد فعالیتهای اقتصادی، از طریق افزایش نقش نیروهای بازار و محول کردن فعالیتهای اقتصادی به بخش

سالم است که دولتمردان، با هدفگذاری برقراری عدالت اجتماعی، دخالت در اقتصاد را توجیه کرده و استدلال کرده اند که در نظام بازار آزاد؛ کارایی بیشتر، تولید انبوهتر، ثروت فزوتتر و رفاه وسیعتر، مورد توجه است و عدالت و اخلاق در مراتب بعدی قرار می گیرد. امروز، دیگر از آن شور و اشتیاق در اوایل قرن بیستم برای انتقاد به شکستهای بازار آزاد و اعتراف به عدم کارایی نظام تولید خصوصی و مالکیت خصوصی در جهان خبری نیست. تجربه ها در هیچ موردی نشان نمی دهد که جوامع دیکتاتوری، نسبت به جوامعی که رشد آزادیها در آنها روز افزون بوده رشد اقتصادی بیشتری داشته اند.

حال، در کشور ایران، که در گزارش رده بندی موسسه اقتصادی هریتیج (Heritage) در سال ۲۰۰۵، از میان ۱۵۷ کشور جهان، به لحاظ آزادی اقتصادی در رتبه ۱۵۶ قرار دارد^۱، مهمترین بحث روز در حوزه اقتصاد،

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی - دانشگاه شهید بهشتی

تصریح کرده است که طرح واگذاری سهام عدالت، روند خصوصی سازی اقتصاد را تسریع می کند. دبیر ستاد واگذاری سهام، این تسریع را با واگذاری ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار میلیارد ریال سهام در کشور به افراد واجد شرایط و کم درآمد جامعه، در طی ۲ سال آینده تشریح می کند. عمدتاً، در شرایطی که سرعت اجرای برنامه خصوصی سازی مورد توجه باشد و سیاستگذاران، به دلایل اجتماعی و سیاسی تمایل داشته باشند که مالکیت به طور گسترده توزیع و منافع خصوصی سازی به بخشهای محروم جامعه نیز اختصاص یابد،^۴ این طرح به اجرا در می آید.

نکته قابل توجه این که، در توجیه این برنامه، اهداف بیشماری برای آن منظور شده و در خصوص هزینه های اقتصادی این برنامه، در مقابل منافعش از طرف دولتمردان، کمتر مطالبی عنوان شده است. در بعضی از کشورها، همزمان یا پیش از عرضه عمومی سهام به مردم، یک قسمت از سهام شرکت، به طور خصوصی به سرمایه گذارانی که توانایی اداره شرکت را دارند، فروخته شده، مابقی به عموم مردم فروخته می شود.^۵ دولتها، عموماً، به دلیل ترس از واگذاری تمام سهام شرکت، قسمتی از سهام را به عنوان سهم طلایی برای خود منظور می دارند.

● آمار وزارت اقتصاد و دارایی انتشار یافته در ۲۶ فروردین ۱۳۸۶، نشان می دهد که اهداف دولت در فروش سهام شرکتهای دولتی در ۱۱ ماهه سال ۸۵، نسبت به رقم مصوب بودجه ۸۵، به میزان ۹۰/۶ درصد محقق نشده و به عبارتی، در سال ۱۳۸۵، مبلغ ۶۳/۹ میلیارد تومان از سهام شرکتهای دولتی واگذار شده و از سال ۷۰ تا ۸۴، به میزان دو هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان خصوصی سازی صورت گرفته است.

خصوصی، با انتقال مدیریت و یا مالکیت داراییها به این بخش،^۲ مفهوم خصوصی سازی را تشکیل می دهد. برای خصوصی سازی، راههای مختلفی را بر شمرده اند: خصوصی سازی، همراه با واگذاری مالکیت و خصوصی سازی، بدون واگذاری مالکیت؛ از طریق قرارداد مدیریتی، خدماتی و یا قرارداد اجاره، از آن جمله است. بحث این مقاله در خصوص یکی از این راهها، موسوم به توزیع کوینی سهام به صورت واگذاری شرکتهای دولتی، موسوم به Voucher Privatization است، که در ایران سهام عدالت نام گذاری شده است.

۱-۱ تعریف و مبانی قانونی

دولت نهم - دولت فعلی - در راستای شعار «آوردن پول نفت بر سر سفره های مردم» و با عنوان بحث در راستای خصوصی سازی و یا مردمی سازی اقتصاد، و با هدف واگذاری بخش دولتی و مشارکت افشار پایین جامعه در روند لیبرالیزه کردن ساختار اقتصادی جامعه، اقداماتی شتابزده را در این راه در پیش گرفت. هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۹، بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصاد و دارایی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۹ قانون برنامه ی چهارم توسعه، آیین نامه اجرای توزیع سهام عدالت را در ۱۳ ماده تصویب کرد. مطابق این آیین نامه؛ دولت در صدد است طی چند مرحله، سهام شرکتهای دولتی را به دهکهای پایین درآمدی جامعه، با ۵۰ درصد تخفیف واگذار و بهای آن را به صورت اقساط و از محل سود این سهام، در طول ۱۰ سال دریافت کند. این کار، توسط شرکتهای سرمایه گذاری (سهامی خاص) که در مرکز هر استان و شرکتهای تعاونی سهام عدالت که در هر شهرستان تشکیل می شود و تحت مدیریت و نظارت سازمان خصوصی سازی، انجام می گیرد.

معاون وزیر اقتصاد و دارایی و دبیر ستاد طرح واگذاری سهام عدالت، واگذاری سهام مزبور را گامی در جهت توفیق طرح خصوصی سازی در کشور دانسته است.^۳ رییس جمهور در سخنرانیهای متعدد، با انتقاد از روند خصوصی سازی در سالهای گذشته و دولتهای قبلی، و انتقاد از نحوه اجرای این برنامه، به این امر

دقیق بر روی نحوه اجرای آن، با وجود این که، در برخی کشورها، ادارات فوق العاده متمرکز و سازمان یافته‌یی برای انجام امور اجرایی این برنامه تشکیل شده، عمدتاً، به شکست منجر شده است.

این رویکرد، روش کشورهای بلوک شرق، در اوایل دهه ۹۰ بوده، که در راستای تلاش برای اعتبار دادن به نظام بازار آزاد و پس از شکست سنگین کمونیسم صورت گرفته است.

در جمهوری چک، با بازسازی جامعه پس از سقوط رژیم کمونیستی در اواخر سال ۱۹۸۹ و روی آوردن به اقتصاد بازار و تمرکززدایی، این برنامه اجرا شد.

بررسی وضعیت اقتصاد جمهوری چک، پس از اجرای این برنامه، به این دلیل اهمیت دارد که این کشور اولین کشوری بود که اقدام به اجرای این برنامه کرد و شاید به نسبت بقیه کشورها، نتیجه بهتری از اجرای آن گرفت. هر چند که باید به مدیریت قوی و برنامه‌ریزی صحیح در این راه توجه کرد، اما، اجرای این برنامه در جمهوری چک، آثار تورمی بسیاری را نیز بر اقتصاد این کشور گذاشت.^۸

اما، همه کشورها در این راستا تجربه موفق نداشته‌اند. در لهستان، نقش دولت در برنامه خصوصی سازی - مبتنی بر کوپن سهام - آن قدر پررنگ بود که روند خصوصی سازی، در کنار نقش دولت رنگ باخت. در روسیه، دوروش خصوصی سازی با عنوان طرح کوپن سهام و سهام در مقابل وام، از سال ۱۹۹۲ به بعد، به اجرا درآمد. رهبران روسیه فکری کردند که اگر، باروش آرام و درازمدت - به صورتی که در انگلیس و مکزیک صورت گرفت - بخواهند خصوصی سازی را انجام دهند، اجرای این برنامه، حدود ۲۰۰ سال طول خواهد کشید. آنها معتقد بودند که با قیمتگذاری واقعی و پیش فروش شرکتهای بسیار زمان می برد، به همین دلیل، آنها تصمیم گرفتند که با قیمتگذاری ارزان و سریع، مالکیت دولتی را به مالکیت خصوصی تبدیل کنند.^۹ غافل از این که، بدون بسترسازی و فرهنگسازی برای وجود چنین تحولی، نتیجه‌یی جز شکست به همراه نخواهد داشت. از دیگر کشورهای تجربه کننده این روش، می توان به رومانی، مغولستان، بلاروس، اوکراین،

● اجرای برنامه سهام عدالت با موانع قانونی نیز روبرو است. نخستین مشکل این طرح، آنکه منبع اصلی و نقطه اتکای آن یک آیین نامه است که به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده و شکل قانونی به خود نگرفته است. تأکید بیش از اندازه بر اهمیت این آیین نامه، باعث نمی شود که تعارض آن را با قوانین نادیده بگیریم. این آیین نامه با برنامه های سوم و چهارم توسعه از نظر اهداف خصوصی سازی متفاوت است.

تعیین قیمت سهام، نیز یکی از موضوعات مهم در این روش است. قیمت باید طوری تعیین گردد که نرخ بازده سرمایه گذاری در این سهام، متناسب و یا بیشتر از نرخ بازدهی آن باشد، که خریداران سهام در سرمایه گذاریهای مشابه می توانند به دست آورند. همچنین، تعیین قیمت باید به نحوی باشد که مسوولان و اگذارای سهام، متهم به ارزان فروشی اموال دولتی و یا گران فروشی و سلب اعتماد مردم نشوند.^۶ این سهام، بی نام بوده، غیر قابل نقل و انتقال است.

۲-۱ تجربه دیگر کشورها در اجرای برنامه واگذاری کوپن سهام

این روش، اولین بار در کشورهایی مرسوم شد که سیاستمداران فکری کردند، با این روش، سهام شرکتهای دولتی، ارزان، آسان و به راحتی در بین مردم توزیع می شود. آنها فکر می کردند که با این کار، خصوصی سازی بسیار سریع صورت می گیرد. اما، با مالکیت گسترده‌یی که توزیع شده بود، بین هزاران خریدار کوپن، این حراج نفع چندانی به حال دولت نداشت.^۷

برنامه کوپن سهام، تجربه موفق در روند خصوصی سازی در سایر کشورهای جهان نبوده است. این برنامه، به دلیل وضعیت شتابزده و عدم کارشناسی

رسمیت شمرده شود. به عبارتی، عدالت، در اجتماعی باید تعقیب شود که در آن آزادیهای ابتدایی؛ چون آزادی بیان و اندیشه و حرمت حریم خصوصی معنادار باشد. با فراهم کردن زیرساختهایی از قبیل، سیاستهای اصلاحات و تمرکززدایی، می تواند این نظام اقتصاد بازار را شکوفا کند. کشورهای توسعه یافته امروزی، نهادهای حقوقی و قانونی و سایر زیرساختهای اقتصادی-اجتماعی خود را یک شبه به دست نیآورده اند.^{۱۳} گذشته از این، مسأله امنیت مالکیت و یک نظام مالکیت ادغام شده، هسته بازارهای کارآمد و بنیان سرمایه گذاری است.^{۱۴} اقدامات شتابزده دولت در روند خصوصی سازی، با برنامه توزیع سهام، می تواند خصوصی سازی را به بیراهه ببرد و مدینه فاضله توسعه یافتگی را از دست اقتصاد ایران دور و دورتر کند.

۱-۲- موانع اجرا و آثار سوء اجرای برنامه سهام عدالت بر نظام اقتصادی و روند خصوصی سازی

رییس جمهور ایران، روند واگذاری شرکتهای دولتی را طی سالهای ۸۴ و ۸۵، به نسبت قبل از آن، بسیار چشمگیر توصیف می کند. اما، آمار وزارت اقتصاد و دارایی انتشار یافته در ۲۶ فروردین ۱۳۸۶، نشان می دهد که اهداف دولت در فروش سهام شرکتهای دولتی در ۱۱ ماهه سال ۸۵، نسبت به رقم مصوب بودجه ۸۵، به میزان ۶/۹۰ درصد محقق نشده و به عبارتی، در سال ۱۳۸۵، مبلغ ۶۳/۹ میلیارد تومان از سهام شرکتهای دولتی واگذار شده و از سال ۷۰ تا ۸۴، به میزان دو هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان خصوصی سازی صورت گرفته است.^{۱۵} به نظر می رسد تأکید بیش از اندازه دولت بر روی خصوصی سازی، از طریق واگذاری مالکیت به مردم و بی توجهی به انتقال مدیریت و سایر روشهای خصوصی سازی مورد استفاده در کشورهای موفق، یکی از ضعفهای این سیاستگذاری است. برخی صاحب نظران معتقدند که اگر سهام دولتی را بدون توجه به ارزش واقعی آنها، بین اقشاری از مردم توزیع کنیم، اما، مدیریت دولتی (مستقیم یا غیر مستقیم) بر بنگاه اقتصادی حاکم باشد، نتیجه بی جز تنزل بهره وری و نابودی منابع، دربر نخواهد داشت. زیرا، آنچه که در عمل به کارایی

گرجستان و آذربایجان اشاره کرد. با یک نگاه اجمالی، متوجه می شویم که این روش در هیچ کشور توسعه یافته و صنعتی در سطح کلان اجرا نشده است. حتا، در سطوح پایینتر نیز، به دلیل معایب این روش در روند آزادسازی اقتصاد، طرفدار چندانی نداشته است. تلاش برای به کارگیری این روش در آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا، با مقاومتهای شدیدی مواجه بوده است، چرا که، پیش بینی تاثیر تغییر روش تدارک آموزش از نظام دولتی به نظام کوپنی مشکل بوده است. اکثر جوامع، تمایل دارند که خدمت آموزش را از طریق دولت ارایه دهند. اما، از منظر بوروکراسی، می دانیم که عرضه دولتی در بیشتر موارد ناکارآمد است. در مقابل، برخی از کارشناسان دیگر؛ سیستم عرضه کوپن را هم، در اصل، یک برنامه دولتی می دانند که با همان آسیبهای سایر برنامه های دولت مواجه است.^{۱۶} به نظر می رسد که معیار موفقیت کشورها؛ در توسعه حجم مبادلات خصوصی سازی و سرعت انجام آن بوده و در کشورهای توسعه نیافته نیز، همواره به عنوان معیار مدیریت درست و موفقیت در برنامه های توسعه دیده شده است.^{۱۷} امروزه، کاملاً مشخص شده که در کشورهای مختلف جهان-بالاخص در کشورهای توسعه نیافته- خصوصی سازی، در وضعیت نبودن شرایط لازم و فراهم نکردن زیرساختها، تنها موجب سوء استفاده، بهره گیری از رانت و فساد گردیده است.

۲- رویکردی انتقادی به برنامه سهام عدالت

جان راولز، عقیده دارد که: اجرای اصول عدالت، صرفاً مبتنی بر مکاشفه بی ساده نیست و نیز نمی تواند ناشی از اصول سودگرایی یا هر نظریه غایتگرایی دیگری باشد که بخواهد نوعی نیکی را بر همه انواع آن برتری دهد.^{۱۸} دکارت، یکی از ابزارهای عدالت را وجود شهروندانی می داند که حداقل رفتار منطقی را در ذهنشان ملکه کرده باشند. سخن دکارت، شاید همان مفهوم بستر سازی و فرهنگ سازی را به یادمان بیاورد. به نظر می رسد، برای این که آزادی اقتصادی در نظامی بتواند به بهینه سازی بینجامد، باید ابتدا واژه آزادی به

است. اولین مشکل این طرح، آن که منبع اصلی و نقطه اتکای آن يك آیین نامه است که به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده و شکل قانونی به خود نگرفته است. تأکید بیش از اندازه بر اهمیت این آیین نامه، باعث نمی شود که تعارض آن را با قوانین نادیده بگیریم. این آیین نامه با بر نامه های سوم و چهارم توسعه از نظر اهداف خصوصی سازی متفاوت است. هدف بر نامه ها، عمدتاً، توانمندسازی، ارتقای بهره وری، رقابتی کردن بخش خصوصی و رقابت برابر در دریافت سهام شرکت های دولتی است. در حالی که این آیین نامه، به شدت جنبه حمایتی دارد.^{۲۱} از طرفی، به عقیده برخی از صاحب نظران، با سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز در تضاد است و کارشناسی دقیقی در تدوین آن به عمل نیامده است. به نظر نگارنده، دولت که امر مهم اجرای قوانین را بر عهده دارد، نباید خود در عمل با هر هدفی - از جمله حمایت از اقشار ضعیف جامعه و برقراری عدالت - پروسه قانون گذاری و قانون گذاری را نقض کند.

نتیجه گیری و پیشنهاد

اقتصاد نبض حیاتی جامعه و آسیب پذیرترین بخش آن است. هر گونه برنامه و اقدام اشتباه و شتابزده‌یی، می تواند بر پیکره این بخش لطمات جبران ناپذیری وارد کند. اگر بر نامه سهام عدالت، به همین شیوه اجرا شود، جز به تاخیر انداختن روند خصوصی سازی و نوعی شبه خصوصی شدن، همراه با کنترل دولتی و آثار سوء اقتصادی، نتیجه‌یی به همراه نخواهد داشت. این بر نامه، در مرحله اول، باید به صورت قانون به تصویب نمایندگان مردم برسد و در عین حال، با نظر کارشناسان اقتصادی، هزینه ها و اهداف آن باید به صورت تحلیلی بررسی شود و نحوه قیمت گذاری سهام و نقش بخش دولتی باید معین گردد. علاوه بر آن، باید به بستر سازی، به منظور خصوصی سازی توجه و افری شود. تقویت حقوق مالکیت خصوصی، حمایت از مالکیت های فکری به نحو منسجم و کامل، بوروکراسی زدایی، گسترش و تصویب قوانین مربوط به رقابت آزاد، مبارزه با انحصار و گسترش نهاد تأمین اجتماعی برای حمایت

بنگاه اقتصادی می انجامد، نوع مدیریت آن است و نه نوع مالکیت. به همین جهت، در برخی کشورها، قبل از آن که به خصوصی سازی از راه سهام دولتی به مردم بپردازند، در ابتدا بخش هایی از واحدهای تولیدی یا خدماتی را به مدیریت غیر دولتی می سپرند. در روش سهام عدالت، تعدادی سهام در میان شمار بسیار زیادی سهامدار توزیع می شود. سهامداران، که عمدتاً، از اقشار فقیر هستند، باید بهای سهام خریداری شده را از طریق سود سالانه سهام خود بپردازند.^{۱۶} نامشخص بودن اهداف دولت در جریان خصوصی سازی، عدم وجود قاطعیت و عزم راسخ نسبت به اجرای سیاست^{۱۷}، استفاده از بر نامه سهام عدالت به عنوان حلال مشکلات اقتصادی اقشار پایین جامعه، امکان ایجاد تورم در جامعه در کوتاه مدت، به دلیل افزایش قدرت خرید طبقات محروم جامعه - جهت رفع نیازهای ضروری خود، کویپ های خود را به فروش رسانده و اقدام به خرید کالاهای مصرفی خواهند نمود - عدم آشنایی مردم با بازار بورس و فرهنگ سهامداری، بویژه در مناطق روستایی و محروم^{۱۸} و در نظر نگرفتن ابعاد چند جانبه اقتصادی این برنامه و شتابزدگی زیاد در اجرای آن، می تواند این برنامه را نه به آرمانهای عدالت طلبانه، که به شکست پروژه های پر اهمیت خصوصی سازی بکشاند. علت موفقیت نظام اقتصادی مبتنی بر بازار رقابتی؛ در برخورداری آن از يك مکانیسم اصلاح کننده درونی است. این مکانیسم، که صرفاً می تواند بر اساس آزادی انتقال اطلاعات عمل کند، عامل اصلی اصلاح تصمیم گیری های نادرست است.^{۱۹} از آن گذشته، تزریق بدون برنامه و نامناسب پول، اگر ناگهان کاهش یابد، چون سطح انتظارات در کوتاه مدت هم چنان بالا می ماند، شکاف عظیمی بین عرضه و تقاضا ایجاد خواهد شد که خود منجر به تورم می شود و در صورتی که دولت به سیاست تنظیم کسری بودجه - به منظور کم کردن شکاف عرضه و تقاضا - رو آورد، میزان نقدینگی و تورم افزون تر می شود.^{۲۰}

۲-۲- مشکلات قانونی

اجرای بر نامه سهام عدالت با موانع قانونی نیز روبرو

۱۰. گانیک، جیمز پاتریک، درک دموکراسی، رویکردی بر انتخاب عمومی (تحلیل اقتصادی نهادهای سیاسی). مترجمان: دکتر محسن رنانی، دکتر محمد خضری، چاپ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۸۵-ص ۴۸۵
۱۱. یوسفی، محمد قلی، بررسی علل شکست سیاستهای تعدیل در فرایند توسعه اقتصادی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره سوم و چهارم- آذر و دی ۸۵، ص ۱۶۶
۱۲. گارانلو، میکائیل، لیبرالیسم در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه دکتر عباس باقری، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ص ۲۳۸
۱۳. یوسفی، محمد قلی، همان، ص ۱۶۶
۱۴. هراندو، دوستو، راز سرمایه (چرا سرمایه‌گذاری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد) ترجمه دکتر فریدون تفضلی، نشر نی، ۸۵، ص ۱۴
۱۵. روزنامه سرمایه، ۲۷ فروردین ۸۶، شماره ۴۳۱، ص ۲
۱۶. الویری، مرتضی، کوچکسازي بدنه دولت، از قانون تا عمل، روزنامه دنیای اقتصاد- ۸۶/۲/۱۵ صفحه ۳۰ تحلیل
۱۷. کمیجانی، اکبر، ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی سازی در ایران، انتشارات معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی- ۱۳۸۲-ص ۳۲۸
۱۸. کابلی‌زاده، همان، ص ۱۸۰
۱۹. غنی‌زاده، موسی، «موهبت آزادی»، تفسیر اقتصادی روزنامه شرق، ۲۴ اردیبهشت ۸۶- شماره ۸۵۶، ص ۱۱
۲۰. تقریرات درس حقوق عمومی اقتصادی، دکتر محمد حسین زارعی، دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، سال تحصیلی ۸۵-۸۶
۲۱. گدازگر، عبدالله، «تقدم یا تاخر آزادسازی بر خصوصی سازی»، دنیای اقتصاد- ۲۰ اردیبهشت ۸۶

از اقبال ضعیف جامعه، به جای بالا بردن انتظارات و اغراق در اهداف و نیز تلاش برای گسترش و احترام به آزادیهای سیاسی، از جمله عواملی است که کشورهای موفق- به موازات آزادسازی بخش اقتصادی- به آنها توجه کافی داشته‌اند.

پی‌نوشتها:

۱. رجایی، علیرضا، توهمات سرمایه‌داری دولتی، ویژه‌نامه سرمایه- ۱۵ مهر ۸۵-ص ۸
۲. کابلی‌زاده، احمد، خصوصی سازی مردمی، کارایی همراه با عدالت، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۸۴، صص ۴۰-۵۰
۳. صبوری، حسین، خصوصی سازی و سهام عدالت، سایت رستاک www.rastak.com
۴. کابلی‌زاده، همان، ص ۵۸
۵. خصوصی سازی، شرایط، تجربیات، سازمان صنایع ملی ایران، جلد دوم، ص ۵۲۴
۶. همان منبع، ص ۵۲۶
7. Green, Stephen, Privitisation in the former Soviet Bloc, any lessons for China?, the Royal Institute of International Affairs, Asia programme, PDF, page3
۸. کابلی‌زاده، همان، صص ۷۰-۹۰
۹. حیدری، احمد، «خصوصی سازی در سرزمین الیگارشیهای روس، جابه‌جایی مافیای قدرت از دولت به بخش خصوصی»، ویژه‌نامه سرمایه- ۱۵ مهر ۱۳۸۵، ص ۳۴